

برای آستانه از یک من نان جزو آن است و در این  
زادیک بدین مضمون در عهده مایه زمی ۸۱ ص ۱۱۷  
فست جوانی ص ۱۲۸ (۱۲۸) عهد صفوی  
لا تا چه نزد کاروانی ۱۱۱ و پیشه فستاد در  
نشینا با پایه لایحه فیه سما در عهد با  
به لا پایه نیک به لا و شیخ به لا  
سایه نوری و معنی باقی باشد  
لا چه فیه شیخ به لا با ای المذنبه  
یادکه بدینا معنی لایحه در عهد صفوی

سایه نوری و معنی باقی باشد  
لا چه فیه شیخ به لا با ای المذنبه  
یادکه بدینا معنی لایحه در عهد صفوی

# برخی از مساجد معمور تبریز

دکتر محمد جواد مشکور

استاد دانشرای عالی

مردم تبریز تا پیش از عهد صفوی سنی مذهب بودند، و از آن تاریخ بر اثر نفوذ روحانی و قهری شاه اسمعیل (۹۰۵ - ۹۳۰) به شیعه امامی اثنی عشری گراییدند، و چنان به مذهب جدید پای بند گشتند که یکباره طومار عقاید کهن را در نوردیدند. چون مساجد قدیم را پادشاهان و امیران و یا پدران سنی مذهب آنان بنیاد گذارده بودند، آنها را یا بکلی مهمل گذاردند و یا تبدیل به مساجد جدید کردند، و در هر بوژن و کوچه ای مسجدهایی بر آوردند. از اینرو می بینیم که مساجد قدیم که بعضی از آنها از ابنیه با شکوه تاریخی اسلام بشمار میرفت پیش از آنکه زلزله های سهمگین طاق و ورواق آنها را در هم فرو ریزد بر اثر بی اعتنائی شیعیان روی بویرانی نهاده بود. بنا بوصفی که سیاحان ترک و اروپایی از این مساجد کرده و آنها را با مسجدهای جدید مقایسه کرده اند، این مساجد هیچگاه در زیبایی و هنر معماری پهای مسجدهای پیش از روزگار صفویان نرسید. همانا آثاری که از مساجد قدیم چون مسجد علی شاه و مسجد کبود بجای مانده خود دلیل این مدعا است.

که از میان این مساجد به وصف بعضی از مسجدها و بقاع معمور می پردازیم و از آثار تاریخی تبریز که غیر معمور است در مقالات جداگانه گفتگو خواهیم کرد. (شماره ۵۲)

## شهادت بعضی از مورخان و سیاحان درباره مساجد تبریز

اولیای چلبی که در ۱۰۵۰ هجری در تبریز بوده می نویسند که: در تبریز سیصد و بیست مسجد و جوامع قدیم و جدید است آنها یادگار سلاطین ماضیه و خوانین و پادشاهان ایرانی است و بعضی را وزرای آل عثمان ساخته اند. از جمله آنها یکی مسجد زبیده خاتونست که قبه و در و دیوار آن با کاشی مزین بود و یک مناره عالی داشت، دیگری از بناهای متوکل علی الله است که بسیار عالی و با کاشیهای چینی مزین بود لیکن با مرور ایام خراب و سپس تعمیر شد و نام نخستین آن از بین رفته و اکنون آن را جامع دمشقیه گویند.

دیگر جامع سلطان محمود در شام غازان، و مسجد شاهجهان، و حسن پادشاه است. غیر از این مساجد که ذکر شد نوزده باب مسجد دیگر هست که دارای هزاران تعریف و توصیف میباشد، لیکن اهالی شهر در این مساجد راغب به نماز جماعت نیستند، فقط وقت اذان بعضی ها به مسجد آمده پس از گزاردن نماز بر فور خارج میشوند. در مقابل جامع اوزون حسن جامع شاه

ما در این مقاله از مساجد معمور تبریز که غالباً از عهد صفویه بعد ساخته شده اند صحبت میکنیم، و بحث درباره مسجدهای قدیم را به گفتاری دیگر میگذاریم. بالغ به دو بست و پنجاه مسجد در تبریز وجود دارد

۱- برای تفصیل اسامی مساجد و بقاع و مدارس قدیمه تحت عنوان «اوقاف» در کتاب ایرانشهر، ج ۲ ص ۱۳۵۵-۱۳۵۶ و تلخیص حاجی حسین نخجوانی ص ۱۵-۱۷



عباس است که بسیار عالی ساخته شده است. در قرب همان مسجد جامع دیگری بنام جامع شاه مقصود است. در سراج‌خانه يك جامع ببعديل هست که جامع بسیار بزرگی است چنانکه از دری که بسوی قبیله باز میشود از دور کسی را که در محراب ایستاده باشد مشکل توان دید. این مسجد دو بیست ستون دارد و با آجر پوشیده شده است.

در این شهر چهل و هفت باب مدارس بزرگ معمور و آباد است که در آنها جمیع علوم تدریس میشود و استادان آنها از علمای بزرگ تبریزند و بزرگترین آنها مدرسه شاه جهانست. بیست دارالقرآء (که قرآن قرآن کنند) در آن شهر است، اما در میان عجم قرآن کریم را با تجوید صحیح خواندن کماهو حقه میسر نیست و بیشترشان غلط تلاوت میکنند.

در آن شهر هفت دارالحدیث است (که احادیث نبوی را روایت کنند) لیکن علمای آنجا به علم حدیث شهرت نیافته‌اند و بر احادیث حضرت علی و ائمه دوازده گانه عمل میکنند و چند هزار کتاب حدیث حضرت علی مرتضی دارند.

در این شهر بقدر ششصد دارالتعلیم است، در این مکتبها هر سال به اطفال لباس داده میشود. در تبریز یکصد و شصت تکیه در اویش است که مشهورترین آنها تکیه شمس تبریزی و تکیه بولاق خان و تکیه عقیل و تکیه میر حیدر است.<sup>۲</sup>

پول لوکا (Paul Lucas) مینویسد در این شهر مساجد خیلی زیبا هستند. مزین با آجرهای رنگین چون ظروف چینی که پهلوی هم چیده شده و خطوط و اشکال زیادی را نشان میدهند.<sup>۳</sup>

اولتاریوس (Oléarius) مینویسد بعدد هر کوچه‌ای در تبریز در آن کوچه نیز مسجدی بنا شده است.<sup>۴</sup>

شاردن (Chardin) مینویسد که در تبریز ۲۵۰ مسجد وجود دارد.<sup>۵</sup>

محمدحسین زوزی در کتاب بحر العلوم مینویسد:

- ۲- سیاحتنامه اولیاچلی، قسمت آذربایجان (تبریز) ترجمه
- ۳- سفرنامه پول لوکا ص ۲۷۱
- ۴- سفرنامه التاریوس ص ۸۵۹
- ۵- سفرنامه شاردن ص ۲۹۰

پنج سال پیش از استیلای، رومیه (عثمانی) بدارالسلطنه تبریز در بیست و هشتم شهر جمادی الثانیه یوم یکشنبه یکساعت و نیم از روز گذشته سنه ۱۱۳۳ هجری زلزله عظیمی در تبریز اتفاق افتاد و جمعی کثیر هلاک شدند و به اکثر ابنیه عالیه از مساجد و مدارس و مقابر شکست فاحش راه یافت نهایت بالمره منهدم نگردید. ایضاً در اواخر سنه هزار و صد و نود و دو تا اوایل سنه هزار و صد و نود و سه، سه مرتبه زلزله اتفاق افتاد که از جمله در شب شنبه سلخ ذیحجه الحرام سنه هزار و صد و نود و سه، دوساعت از شب مزبور بود، و همه ابنیه عالیه با آثار مستحکمه از مدارس و مساجد و مقابر و معابد و عمارات و رباطات بالمره خراب گردید. از آن جمله شنب غازان و مسجد صاحب الامر و مسجد جهانشاه و مدرسه سید حمزه و مدرسه صادقیه و طالبیه بود.

بی اغراق دیواری ببلندی يك و جب نماند و تخمیناً دوازده فرسخ از اطراف به تبعیت شهر انهدام یافت. از نقایع بلده استماع شد که از بومی و غریب و اکثر خانه‌ها مسدود شد، و در راه شبلی شکاف طولانی که قریب به شش هفت فرسخ طول داشت بهم رسید، و در آن شب تا صبح تخمیناً چهل مرتبه زلزله شد. از مشاهیر شهر که در زیر نقاب تراب محتجب شدند: ملا ابوعلی مراغه‌ای، و آقا میرزا بابا، و ملا اسمعیل، و میرزا فضل الله طیبی، و فضلعلی بیگ خلف نجفقلی خان دنبلی بیگلربیگی دارالسلطنه بود. از اول زلزله تا ششم صفر آنسال هر شبانه روزی تخمیناً سی و چهل مرتبه زلزله میشد نهایت درجه کمتر مخرب بود. اما در روز شنبه ششم شهر مزبور یکساعت از زوال گذشته و- ایضا شب یکشنبه چهاردهم ماه مزبور سه ساعت از شب گذشته زلزله شدیدی واقع شد که کمتر از اول نبود بعضی از نکته سنجان در تاریخ آن گفته‌اند:

در فکر همین که یابم از روی صواب

باعث چه دهم کی شده تبریز خراب



شاگاه ز دیوانه دل جسد خیال  
 از، زلزله شد خراب، گفتا بجواب  
 ۱۱۹۴ هجری  
 در همان سال بجفلی خان بیگلربیگی بامداد،  
 احمد خان دنبلی بطالع اسد با روی بزرگی بدور شهر  
 در کمال استحکام کشیده بعمارت شهر مشغول شدند.  
 اکنون همه آن آثار قدیمه خراب است و شهریار شهید  
 احمد خان دنبلی بعمارت مسجد جامع بزرگ مشغول  
 بودند، تمام نشده بروضه رضوان شتافتند و حالا هم  
 ناتمام است. نیز در این اوقات جعفر قلیخان دنبلی  
 بعمارت مسجد صاحب الزمان اشتغال دارد نزدیک است  
 باتمام رسد متعلقات چندی هم بعمارت اول افزوده اند.  
 و سه هزار تومان تخمیناً صرف آن میشود.

طباطبائی در اولادالطهار مینویسد:

مساجد تبریز را زیاده بر صد مسجد معتبر و  
 بزرگ و بنام در تذکره‌ها نوشته اند، و در بعضی از  
 تذکره‌ها سیصد مسجد و در بعضی تذکره‌ها در همه  
 محلات ذکر نموده غیر از مساجد کوچک که ذکر همه  
 آنها تطویل بلاطایل است و اکثر آنها در زلزله اخیری  
 (۱۱۹۴ هـ) دارالسلطنه تبریز خراب شده است. با  
 مدرسه‌های متعدد مثل مدرسه: سلطان اویس در محله  
 چهار منار و مدرسه حسن پادشاه که میان سرخاب و  
 شتربانست و مدرسه رشیدیه و مدرسه سلطان غازان  
 و غیر آنها که تعمیر نشده و حالا موجود است. و معمور  
 در دارالسلطنه تبریز هفت مدرسه است: مدرسه طالبیه  
 و حسن پادشاه و صادقیه و حاج صفرعلی و حاجی علی  
 اصغر خواجه، و مدرسه سلیمانخان افشار، و مدرسه  
 مقام حضرت صاحب الامر.  
 مساجد کبیره بیست مسجد است، سوای مساجد  
 صغیره، واقعه در همه محلات اندرون و بیرون شهر و  
 کوچه‌های واقعه در قلعه یا خارج آن قریب به دویست  
 مسجد است.<sup>۷</sup>

### مسجد جامع تبریز

نادر میرزا مینویسد: مسجد جامع را بانی نخست  
 مجهول است پس از آنکه بزلزله ویران شد امیر نامدار  
 حسنیتقلی خان دنبلی عمارت کرد بر همان بنیاد قدیم و  
 آن مسجدی است مرتفع و طولانی و عریض و با گچ و  
 آجر بنا شده و سقفها را هیچ قرینه نباشد. از دو سوی  
 غرفه‌ها بدین سالهای نزدیک عمارت شده که پوشیده  
 رویان (زنان) نشینند. بدین مسجد از رخام و کاشی  
 هیچ نباشد. گویند نخست بنای این معبد عثمانیان  
 نهاده اند.<sup>۸</sup>

اینکه نادر میرزا پنداشته بنای این مسجد در  
 دوره تسلط عثمانی‌ها بر تبریز گذاشته شده درست  
 نیست.

زیرا چنانکه از خلال تواریخ پیداست قدمت این  
 مسجد به عهد سلجوقیان میرسد. فضل الله روزبهان در  
 تاریخ عالم آرای امینی صریحاً مینویسد که:

سلجوقشاه بیگم زن اوزون حسن آق قویونلو  
 مسجد جمعه تبریز را توسعه داد و در این کار از بذل  
 مال بسیار دریغ نفرمود و در محل قدیم قبله مسجد قبه  
 رفیعی برپا ساخت و آن را باکاشی‌های رنگین بیاراست.<sup>۹</sup>  
 طباطبائی مینویسد: این مسجد را عبدالله بن عامر  
 در اول اسلام ساخته، و آن و مسجدی دیگر در میان  
 دروازه سرد و سله‌کنان است.<sup>۱۰</sup>

این مسجد را امروز مردم تبریز، جمعه مسجد،  
 گویند. و آن بین مسجد حجة الاسلام و آلچاق مسجد و  
 مسجد میرزا اسمعیل خاله اوغلی واقع است. مسجد  
 حجة الاسلام از غرب، و دو مسجد مزبور آن را از طرف  
 شرق در میان گرفته اند. مسجد جامع را اکنون دومدخل  
 است یکی از جانب شمال که از صحن مسجد وارد  
 دهلیز و از آنجا وارد شبستان میشود. از این طرف  
 سطح مسجد حدود نیم متر از سطح صحن مسجد پستتر  
 است. در دیگر آن از طرف جنوب بیک کوچه که از شرق  
 به غرب ممتد است باز میشود. این کوچه از طرف

۶- بحر العلوم، نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز، شماره ۳۵۵۶ ص ۱۶۳

۷- تاریخ اولادالطهار ص ۱۴۱-۱۴۲

۸- تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز ص ۱۰۸-۱۰۹

۹- تاریخ عالم آرای امینی نسخه عکس صفحات ۲۱۶-۲۱۸

۱۰- تاریخ اولادالطهار ص ۱۱۴



مغرب مسدود و بن بست است سرتاسر جنوب کوچه دیوار مسجدی است معروف به مسجد مجتهد، و این مسجد را دو مدخل است یکی از ابتدای کوچه که در عمومی است، و دیگری از انتهای آن که بسیار کوچک و محقر است، هر دو در بشمال باز میشود. در اواخر دیوار شمالی این کوچه در جنوبی مسجد جامع واقع است.

از این در وارد آلچاق مسجد میتوان شد و چون این مسجد از جانب مغرب چسبیده به مسجد جامع است بلکه از ملحقات و توابع آنست و مانع و حاجزی در میان نیست. از آنجا داخل جامع بزرگ میتوان شده از این طرف نیز سطح مسجد از کوچه پست تر است. بنای مسجد جامع از گچ و آجر است و از چوب چیزی در آن نیست. محرابش از چند قطعه سنگ رخام ساده است.

طول مسجد که از جنوب به شمال کشیده شده ۶۴ متر و عرض آن از شرق به غرب در حدود ۱۵ متر است، قسمت جنوبی مسجد در امتداد سی و چهار متر بجانب شمال باریکتر از قسمت شمالی آنست.

در امتداد این قسمت شرقاً و غرباً از دو سوی طاقهای بلند پهلوی هم قرار گرفته است که پنج طاق در شرق و پنج دیگر در غرب هر يك بطول  $4/60$  و عرض  $3/60$  در مقابل یکدیگر واقع شده است. عرض سطح این قسمت حدود ده متر و سی سانتی متر است. اما جانب شمال مسجد تقریباً از فاصله سی و چهار متر وسعت پیدا کرده و عرض قسمت اعظم آن چنانکه گفتیم غیر از طاقهای جانبین شرقی و غربی در حدود پانزده متر است. در زمان امامت حاج میرزا جواد آقا مجتهد، عرفاتی از میان طاقهای ده گانه از دو جانب احدات کردند تا زنان آنجا نشینند. حاج میرزا یوسف آقای کبیر (درگذشته در ۱۲۴۲ هـ)، و پس از او میرزا احمد آقا مجتهد (درگذشته در ۱۲۶۵ هـ)، و پسرش حاج میرزا جواد آقا مجتهد (درگذشته در ۱۲۱۳ هـ) که از فحول علمای تبریز بودند در این مسجد نماز میخواندند. این مسجد بسیار ساده و بی آرایش است و از کاشی و سایر سنگها در آنجا هیچ نیست. فقط سطوری چند از آیات تزکیه و کلمات مقدسه بر دیوارهای آن بر روی گچ

نوشته شده، در بالای محراب روی گچ با خط نستعلیق این کلمات مکتوب است:

لااله الاالله محمد رسول الله علی اسدالله و ولی الله، همین کلمات در بعضی از دیوارها نیز مکرر شده است، و آیه، انما یعمر مساجدالله من آمن بالله و الیوم الاخر، و نیز آیه: یریدون ان یطفؤوا نورالله بافواهم و یا بی الله الا یتیم نوره و لو کره المشرکون، و همچنین آیه: انما یریدالله لیزهد عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا، در دیوارهای شرقی و غربی باخط ثلث و کوفی روی گچ مسطور است.

کاتب این کلمات یکی محمد باقر و دیگر محمد رسول نقاش است.

این مسجد را ظاهراً پس از زلزله ۱۱۹۳ بر روی خرابه های مسجد جامع سابق ساخته اند.

محراب مسجد در انتهای قسمت عرض جنوبی واقع است در پشت دیوار شرقی این قسمت مسجد بزرگ و تاریکی با ده ستون و طاقهای ضربی آجری بنا شده که به مسجد زمستانی معروف و اکنون پایه ها و طاقهای آن فروریخته است. بر سردر این مسجد چهار کتیبه است که ذیلا به شرح آنها می پردازیم:

**کتیبه شاه طهماسب -** در یکی از طاقهای کم عرض غربی قسمت اول مسجد سنگ مرمر صافی بطول  $1/72$  و بارتفاع  $1/12$  متر رو بشمال بدیوار جنوبی مسجد نصب گردیده و مشتمل است به نقل رؤیای شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴) و الغای رسومات تمغا. این کتیبه بخط علاء الدین محمد تبریزی از خوشنویسان معروف دوره صفوی و شاگرد دانی خود علی بیگ تبریزی است که در دوازده سطر در شوال سال ۹۷۲ هجری بخط ثلث نگاشته شده است، و یکی از آثار نفیس آن عصر بشمار میرود که تاکنون از دستبرد حوادث مصون و محفوظ مانده است.

متن این سنگنبشته چنین است:

فرمان قضا جریان شاه ستاره سپاه خاک آستانه خیرالبشر مروج مذهب ائمه اثنی عشر غلام امیرالمومنین حیدرعلی بن ابیطالب، السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادر خان خلدالله ملکه و سلطانه شرف



نفاذ یافت آنکه؛ بنا بر ویای صالحه که در شب پنجشنبه دوازدهم شهر شعبان اودئیل اثنی و سبعین و تسعمانه حضرت حجة قائم صاحب الامر و الزمان صلوات الرحمن علیه را در واقعه دیدم، قامت اشرف آنحضرت بلند و روی کشیده و محاسن شریف يك قبضه و موی محاسن و شارب خرمائی و چشم و ابروی آنحضرت سیاه و ضعفی در بشره مقدس آنحضرت ظاهر بود، چنانکه گویا ریاضت کشیده اند و تاج سقر لاط قرمزی بی دستار بر سر اشرف داشتند و جامه قلمی آجده که غالباً سفید بود پوشیده بودند، و چاقشور نیمتاج زرد و درپای مبارک داشتند و هیچکس آن حضرت را نمیدید و آواز آن حضرت را با اینکه بلند سخن میفرمودند غیر من کسی نمی شنید، و بعد از ظهور آنحضرت فی الحال فریاد کردم و کسی نشنید، و آنحضرت بعد از بیرون آمدن در ایوان طاق بندی که تخمیناً طول آن ده ذرع بوده باشد و روی آن ایوان بقبله بود وجبهی که پشت مبارک آنحضرت بجانب میان مغرب و قبله بود متحرک نمیشدند و کف پایهای را نزدیک یکدیگر رو برو بر وجبهی که کف بکف نرسیده بود نهادند. پس رفتم پیش و پای راست آنحضرت را میان بند پای مبارک وی و بند چاقشور بوسیدم، بعد از آن آن حضرت برخاستند و فرمودند که این تمغاها را که بخشیده ای بسیار خوب کرده ای و اظهار خوشنودی فرموده، فرمودند که تنه را هم ببخش و فرمودند که ما از تو راضی ایم یا از تو راضی میشویم، و بیاد نماند که از این دو عبارت کدام فرمودند، بعد از آن فرمودند که روز بروز عمرت زیاده میشود و دولتت زیاده میگردد، من عرض کردم که چون این امر مقبول شما است تنه تمغاها را بخشیدم، بعد از آن آن حضرت غائب شد بر وجبهی که من ندانستم که چون غائب شدند، لاجرم در روز پنجشنبه مذکور حسب الامر آنحضرت صلوات الله علیه تنه تمغاوات جمیع ممالک محروسه را در آذربایجان و عراق و فارس و خراسان و شیروان و گیلان خصوصاً تمغای دارالضرب طلا و نقره که تا غایت بخشیده نشده بود موکد بلعنت نامه بخشیدم، و ثواب آنرا بحضرات چهارده معصوم صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین هدیه کردم، و ثواب این اهداء را بحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه هدیه کردم، بنابراین باید که ابواب دارالسلطنه

تبریز و شوارع ارض روم و عراق را که بمبلغ سه هزار و هشت صد و هشتاد و پنج تومان و هشت صد دینار در آن ملک جمع است از تاریخ واقعه مذکوره مسدود دانسته اصلاً طلبی از هیچ آفریده ننمایند و این بدعت سیئه را در آن ملک بدستور کل ممالک بر طرف دانند، مستوفیان عظام دیوان اعلی من بعد در دفاتر سنوات جمع آنرا ننویسند، و اسم و رسم آنرا از صحائف دفاتر محو گردانند، حاکم و اکابر دارالسلطنه تبریز مضمون حکم اشرف و اعلی را موکد بلعنت نامه دانسته یقین دانند که هر کس از مضمون آن تجاوز نموده من بعد بهر صیغه و عنوانی که باشد از آن ابواب چیزی گیرد، و هر کس بدان رضا دهد و کسی که بر حقیقت آن مطلع شود معروض ندارد بر دیدن معاویه علیهما اللعنه است، و آن جماعت را بر وجبهی سیاست خواهیم فرمود که باعث عبرت دیگران گردد، فمن بدله بعد ماسمه فانما ائمه علی الذین یدلونہ ان الله سمیع علیم، از جوانب بر این جمله روند و از فرموده عدول نورزند، فی عشر ثالث شوال اودئیل اثنی و سبعین و تسعمانه کتبه علامه الدین».

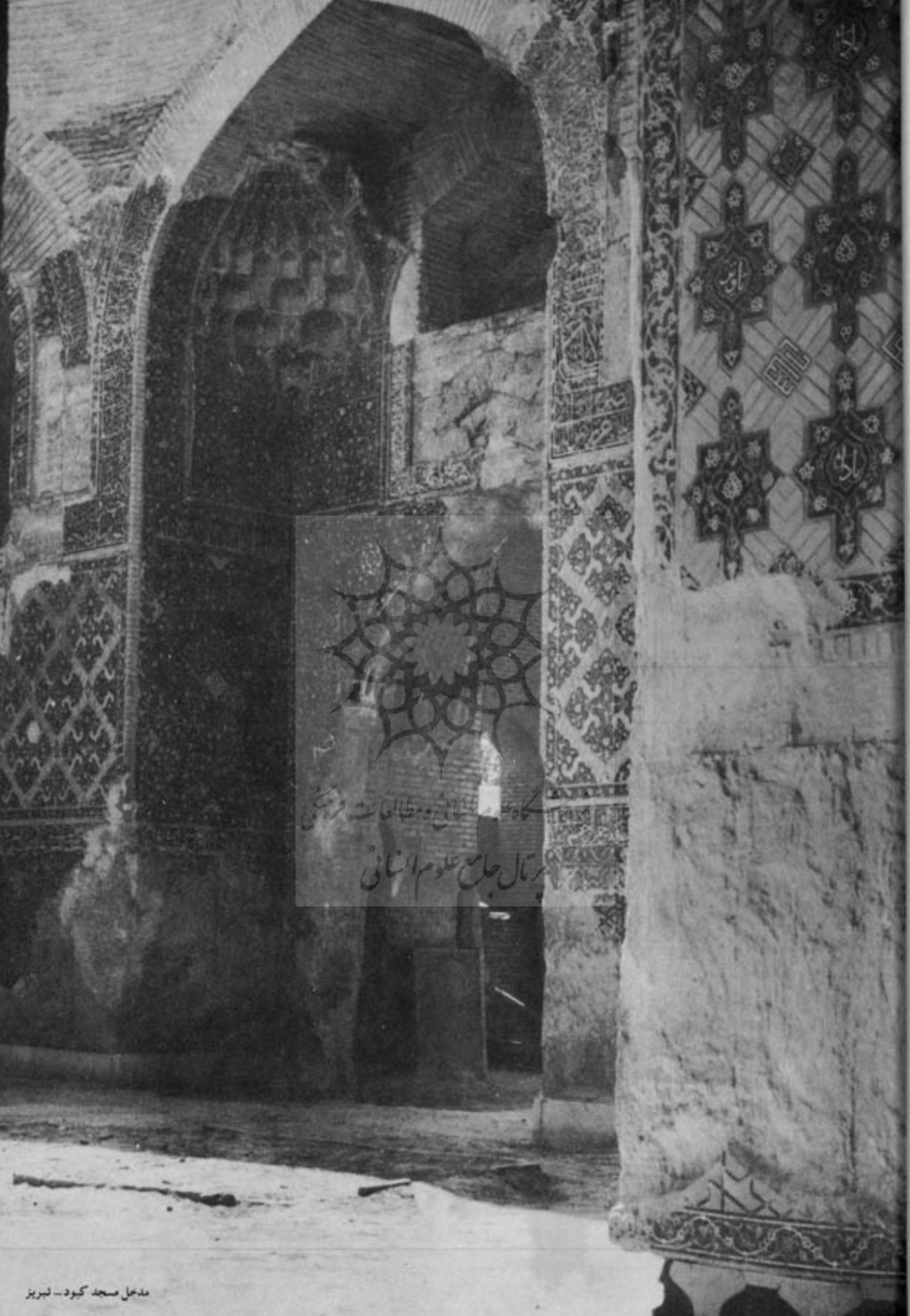
### کتیبه سلطان حسین صفوی - سنگنبشته دوم در

بالای در شمالی مسجد جامع از بیرون آن رو بطرف شمال نصب شده است. این کتیبه مشتمل بر فرمانی است از شاه سلطان حسین صفوی بخط محمد مؤمن تبریزی که در پانزده سطر بخط ثلث بسیار زیبا در شوال سال هزار و یکصد و شش (۱۱۰۶ هـ) بر روی سنگی از مرمر نقر شده طول سطرها در حدود يك متر بنظر میرسد، و مشعر بر تحذیر مردم از ارتکاب به معاصی و تاکید بامراء و حکام و علماست و در تنبیه و مجازات کسانی که پای از حکم شرع، فراتر میگذارند و دست به قمار و شراب و بنگ و چرس و کارهای زشت می آیند.

متن آن سنگنبشته از این قرار است:

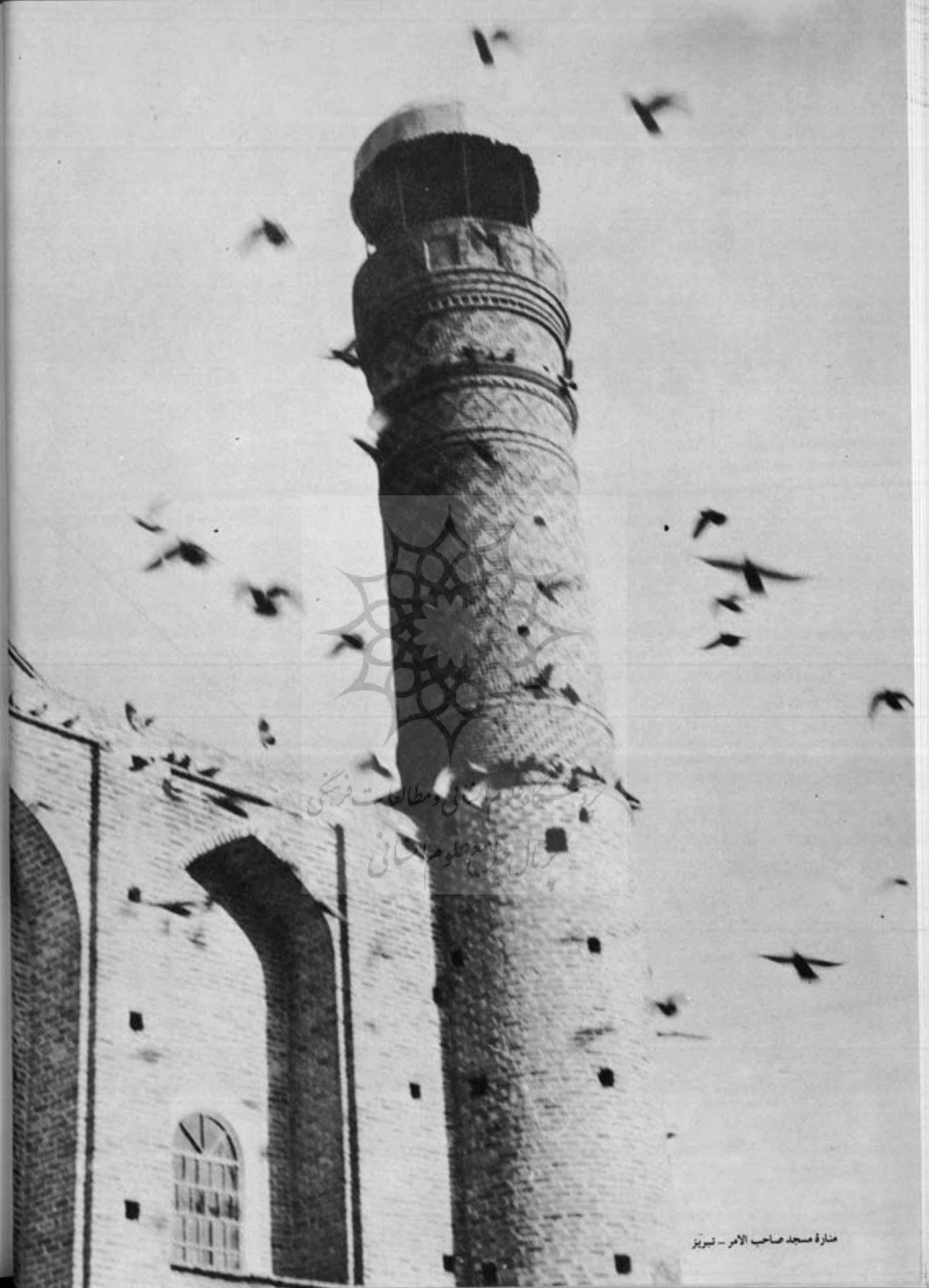
بسم الله الرحمن الرحيم، حکم جهان مطاع شاه ملائک سپاه السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه سلطان حسین الحسيني الموسوي الصفوي بهادر خان خلدالله ملکه و سلطانه، شرف نفاذ یافت آنکه عالیجاه سالار





سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران





کتابخانه جامع علم و مطالعات فرهنگی  
مرکز جامع علوم اسلامی

منار مسجد صاحب الامر - تبریز



سببه تفنگچی آقاسی و توپچی باشی و بیگلربیگی آذر-  
 بایجان بشفقات بلانهایات شاهانه مفتخر و مباهی بوده  
 بدانند، که چون از هنگامیکه مهره انجم بر تخته زرنگار  
 فلک آبگون سیماب نمون بدست قضا چیده، و کعبتین  
 عاج نیرین جبهه تحصیل نقد سعادت کونین بنقش شش  
 جبهه گردیده، و گنجور گنجینه وجود بموادای حقانیت  
 اقتضای، قل اللهم مالک الملك توتی الملك من تشاء و  
 تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک  
 الخیرانک علی کل شی قدیر، درهم و دینار تمام عیار  
 دولت اعتبار و زرده دهی پادشاهی و فرماندهی عرصه  
 روزگار جبهه این دودمان خلافت و امامت، و خاندان نبوت  
 و ولایت در مخزن درستی با کمال تردستی محفوظ و  
 مضبوط داشته، جبهه ستایش این نعمت بی قیاس، و  
 ادای شکر این عارفه محکم اساس در این عهد سعادت  
 مهبط که عنرای دولت روز افزون در آغوش، و لیسای  
 سلطنت ابد مقرون دوش بدوش، و اولین سال جلوس  
 میمنت مانوس، و اوان شکفتگی گلشن آمل عامه نفوس  
 است، همت صافی طویت معدلت گستر، و ضمیر منیر  
 مبراصابت شریعت پرور بحکم آیه وافی هدایه، الذین  
 مکنهم فی الارض و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا  
 بالمعروف و نهوا عن المنکر، باجرای اوامر و نواهی  
 خالق کل و خاتم انبیاء و رسل بفحوای صندوق انتباه  
 اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لعلکم تفلحون معطوف و مصروف  
 داشته امر عالم مطاع شرف نفاذ یافت، که بمضمون  
 بلاغت مشحون: قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و  
 ما بطن، پردگیان سترگشا پرده نشین، و شاهدان چهره نما  
 خلوت گزین بوده، با تأمل عصیان نقاب بی شرمی از  
 رخسار عفت باز ننموده، دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز  
 نکردند، و ساکنان خط ایمان و مقیمان دارالسعادة ایقان  
 بمضمون حقیقت نمون، یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و  
 المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان  
 فاجتنبوه لعلکم تفلحون به آلت قمار دست دراز نکرده  
 قبل از آنکه شطرنجی روزگار زدرآور روزگار ایشان را  
 مات قحاح و قبل بهد حیرت هیجان و هنگامه عرصات  
 ساخته معلوم شود که آنچه برده اند، باخته اند سالک طریق  
 اجتناب بوده بهیچ وجه پراندن آن عمل شیخ نگرده و کل  
 وجوه بیت اللطف و قمارخانه و چرس فروشی و بوزه

فروشی ممالک محروسه را که هر سال مبلغهای خطیر  
 میشد تخفیف تصدق فرقی فرقد سای اشرف مقرر  
 فرمودیم، و در این ابواب صدور عظام و علماء اعلام  
 و فقهاء اسلام و ثیقه انیقه علیحده موکده بلعن ابدی و  
 طعن سرمدی که مزین و موشح بخط گوی نثار همایون  
 است بسلك تحریر کشیده اند، می باید که آن عالیجاه  
 بعد از شرف اطلاع بر مضمون امر مطاع لازال نافذا  
 فی الاقطاع و الارباع مقرر دارد که در کل مجال تیول  
 همه ساله آن عالیجاه و امراء و حکام تابعین و ساکنین  
 و متوطنین بقانون از هر شریعت عزا و طریق اظهار ملت  
 بیضا ناهنج منهیج صلاح و سداد بوده مرتکب امور  
 مذکوره نگردند، و بدکاران در حضور امراء شریف و  
 کلانتر آن و ریش سفیدان محلات بموجب آیه وافی  
 هدایه: والذین از افعول فاحشه و اظلموا انفسهم فاستعفروا  
 لذنوبهم، توبه کنند و مرتکبین محرمات مزبور را تنبیه  
 و تادیب نمایند و التزام باز یافته و هرگاه اشتغال آن  
 افعال ذمیمه نمایند، بر نهیج شرع مطاع حد جاری و  
 مورد مواخذة و بازخواست سازند، چنانکه احدی  
 باعمال شنیعه دیگری مطلع گشته اعلام ننماید آن شخص  
 را بتوعی تنبیه نمایند که موجب عبرت دیگران گردد، و  
 آن عالیجاه و امراء تابعین بعلت وجوهات مزبوره چیزی  
 باز یافت ننموده، نگذارند که آفریده بدان جبهه دیناری  
 طمع و توقع نماید و خلاف کند، از مزدوران درگاه الهی  
 و محرومان شفاعت رسالت پناهی و مستحقان لعنت  
 و نفرین ائمه طیبین صلوات الله علیهم اجمعین و ملانکه  
 آسمان و زمین باشد، اهالی و اوباش را نیز از کبوتر  
 پرانی و گرگ دوانی و نگاهداشتن گاو و قوچ و سایر  
 حیوانات جبهه جنگ و پرخاش که باعث خصومت و  
 عناد و موجب انواع شورش و فسادات ممنوع ساخته  
 شد آن ابواب از لوازم شمرند، دقیقاً در استحکام احکام  
 مطاعه و اشاعت اجرای اوامر شریفه فرو گذاشت ننمایند،  
 امراء و حکام تابعین آن عالیجاه حسب المسطور شماره الیه  
 هر یک در الکاء متعلق خود بموجبی که مقرر فرمودیم  
 بعمل آورده و از هر جوانب بر این جمله روند، و رقم  
 قضا شیم معدلت مضمون را بر عموم خلائق خوانده و  
 بر منبیل نقش بر در مساجد جامعه نصب نمایند، و در  
 این ابواب قدغن دانسته هر ساله رقم مجدد طلب ندارند





و در عهده شناسند، تحریرافی شهر شوال سنه ۱۱۰۶ ست و مائه و الف من الهجرة النبوة، مضمون رقم معدلت شیم فوق که زلازل نابعی است از چشمه سار سلاله خاندان صفوت و کرامت بوساطت عالیجاه رستم خان سالار سپه بمزارع امید کافه عباد فائض و بسعی عالیقدر رفیع الشان منیع المکان محمد بیگا برادر و نایب عالیجاه معظم الیه بر صخره صما ترسیم گردید، قد تشرف بکتابتها محمد مومن التبریزی»

**کتیبه فتحعلی شاه قاجار** - این سنگنبشته که در باره معاف داشتن تجار تبریز از پرداخت عوارض است در بالای در شرقی صحن مسجد جامع که مدرسه طالبیه باشد در زیر طاقی مستقر است نقش این سنگ غیر از جمله، بسم الله الرحمن الرحیم، که در صدر لوح با خط ثلث نوشته شده همه با خط نستعلیق است و آن از احکام اوائل سلطنت فتحعلیشاه قاجار است که در سال ۱۱۲۶ هجری در دوازده سطر بر این سنگ کنده اند، و در آن لوح چنین نوشته اند:

، فمن بدله بعد ماسمعه فعليه لعنة الله و ملائکته و انبیائه و رسله و الائمة صلوات الله علیهم اجمعین بسم الله الرحمن رحیم، الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الذین اسسوا الحق و الایمان و خربوا بتیان البدع و الطغیان.

اما بعد غرض از تحریر این کلمات آنست که چون در عهد سلطنت بندگان اعلیحضرت جمشید شوکت اسکندر مکانت دارارتبت، خاقان اعظم سلطان مکرم السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان، السلطان فتحعلیشاه لازال ظله ظلیلا نوبت حکومت و شوکت دستگاه امیر الامراء العظام عمدة الخوانین الکرام مقرب الحضرة الخاقانیه خان جلیل الشان بیگلربیگی کل ممالک آذربایجان احمد خانالازال مویدا بتوفیقات الدارین رسیده، و چون طبع شریف بندگان معظم الیه طالب تحصیل دعای خیر بجهة ذات مقدس اعلیحضرت ظل الله فی الارضین و آبادی و رفاه عباد بود، و راضی بشیوع و استمرار بدغ نمی باشد، و چون در ایام سلاطین و حکام سابق بسبب آنکه در عوارضات و صادرات مملکتی بسکان محلات و کوچه باغات دارالسطنه تبریز بنچه مشخص نموده و داد و

ستند می نموده اند، به تجار تبریز که آبادی بلاد و نظام امور معاش عباد و وفور امتعه و اقمشه و سایر ادویه که در بلاد بعیده بهم میرسد و در سایر بلاد نیست و سکان این بلاد محتاج بآنها می باشند بسبب آمد و شد این طایفه بوده و می باشد، و در جمیع امصار و اعصار معزز و محترم بوده و باسم صادرات و عوارضات از ایشان چیزی مطالبه نمودند، بنچه باسم ایشان معین نموده مطالبه صادرات و عوارضات از ایشان می نماید، و باین جهات سکان محلات و کوچه باغات و تجار تبریز ببلاد عراق عرب و عجم متفرق و هر یک از تجار معتبر شهر در سایر بلاد متوطن و شهر از رونق افتاده و رو بخرابی گذاشته، لهنذا مقرر فرمودند که در تمامی محلات شهر و کوچه باغات و در مابین تجار غریب و بومی و مسلم و ذمی داد و ستد و صادری بالمره موقوف شده، و تجار را داخل اصناف ننموده و مطالبه صادرات و عوارضات و مالیات من الجمیع الجهات از ایشان ننموده حتی مساعده که بعضی حکام و عمال که بعنوان ظلم از ایشان میگرفتند موقوف شده، و مقرر فرموده که تمامی سادات کرام سکان شهر و نواحی عنی و فقیر سوای مالیات حسابی از تمامی عوارضات و صادرات و خانه شمار و سرشمار و خانه نزول و سایر تحمیلات من جمیع الجهات معاف و مسلم بود، تا اینکه تمامی سکان شهر در مهتد امن و امان آسوده بدعای دولت بیزوال خاقانی مشغول باشند، و من بعد هرکس که از صاحب اختیاران و عاملان و رئیس سفیدان شهر الی انقضاء الدهر بخلاف این مرتکب شود بلعنت خدا و ملائکه مقربین و انبیاء مرسلین خصوصاً خاتم النبیین و الائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین گرفتار بوده باشند، و کان ذلك فی آخر شهر محرم الحرام سنة ست عشره بعدالماتین و - الالف من الهجرة ۱۲۱۶.

**کتیبه میرزا آقا** - در پایین این سنگ بالای در، از میان طاق بشکل افقی مانند کمر بند نام چهارده معصوم بطریق ریزبخط نستعلیق درشت روی قطعاتی از سنگ مرمر نقر و حواشی آنها با نقش اسلیمی منقش گردیده است.

تاریخ این سنگها حدود هفتاد و هشت سال از



تاریخ لوح بالا متاخر است و کاتبی بنام میرزا آقا در سال ۱۲۹۴ هجری آنها را نوشته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على النبي المصطفى محمد، والمرضى على، والبتول فاطمة، والسبطین الحسن والحسين، وصل على زين العباد علی، والباقر محمد، والصادق جعفر، والكاظم موسى، والرضا علی، والتقى محمد والنقی علی، والزکی العسکری الحسن، و مجتک القائم المنتظر المظفر المهدي الهادي صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين، در سنه ۱۲۹۴ کتبه الفقير الحقير ميرزا آقا ۱۲»

چنانکه گفتیم اینکه نادر میرزا نوشته که گویند این مسجد را عثمانیان نهاده اند، درست نیست، زیرا گذشته از آنکه کتیبه شاه طهماسب صفوی در این بنا پیش از تسلط عثمانیان بر تبریز وجود داشته، در کتاب مرزبان نامه تالیف اوائل قرن هفتم هجری نیز به آن مسجد اشاره رفته است.

چنانکه سعدالدین الوراوینی که آن کتاب را بنام خواجه ابوالقاسم ربیب الدین هارون بن علی وزیر اتابک ازبک بن محمد بن ایدگز از اتابکان آذربایجان (۶۰۷-۶۲۲) موشح کرده، در فضایل او از کتابخانه باشکوهی یاد میکند که آن وزیر فاضل در جامع تبریز بنا نهاده و مشتمل بر اصناف کتب در علوم مختلف بوده است و می نویسد: «لاجرم خالصه نیت و طویرت بر آن گماشت که در جریده محاسن اعمال بزرگترین میرتی و فاضل ترین حسنی ثبت کند و حجت های آخرت بدان مسجل گرداند، آخر جوامع اندیشه مبارکش بر جامع تبریز مقصود آمد، تادار الکتبی در او وضع فرمود چنان روح پیوند روحانی و مزین بحسن ترتیب مبانی که اگر گوئی ساکنان رواق بیت المعمور تحسین عمارت آن میزنند از این عبارت استغفاری لازم نیاید، و اگر چه دیگر گذشتگان بهمین موضع ازین جنس در عهود متقدم تبرعی تقدیم کرده اند و مخازن کتب ساخته لکن چون معاهد آن نظم واهی بود و شرایط آن شمل نامرعی دست تطاول روزگار زود بتفریق و تبدیل آن رسید..... بحمد الله و منه هر نسخه ای از

این نسخ بحقیقت حلیت چهره آن عواطل است و بیاض عزه آن منسوجات باطل. والحق درین حظیره انس همه غرور و اوضاع تصنیفات جمع آورده اند، و شعب کل علوم و جمله فنون که خواص و عوام بافادت و استفادت آن محتاج اند درو کشیده، اول از عربیت مشتمل بر نحو و تصریف و انواع بلاغت نظما و نثرا، و در مذهب حکام شریعت را انتماء احکام بفروع و اصول آن ثابت، و در علم کلام، و از علم طب، و از علم نجوم، و همچنین از انواع رسایل و دواوین اشعار، و اسماء و تواریخ که بحر هفتش از سواحل آفاق کشش کرده بود، و دواعی طلبش از اقطار و زوایای شام و عراق بیرون آورده قریب دو هزار مجلد درو منضد کرده و آنکه چندین جامع از مصاحف معتبر هر یکی بخطی زیبا (فراهم آورده است). و ده نساخ را مؤنث انتساخ کفایت کرد و فرمود تا بر دوام ملازم آن موضع شریف می باشند و از هر سواد که مسرح نظر ایشان باشد نسختها برمیگیرند، درین حال تمامی مرزبان نامه از طی کتم امکان بمظهر وجود آمد تا خاتمت آن با فاتحت چنین توفیقی که خداوند خواجه جهان را بتحقیق مقرون شد هم عنان آید، و این بضاعت مزجاة در مصر جامع تبریز با آن ذخایر سعادت مضاف شود»<sup>۱۳</sup>

متظور از این عبارات منشیانه و متکلفانه که در پایان مرزبان نامه آمده و ما آنرا بجهت چنین مقام باختصار آوردیم آنست که:

خواجه ابوالقاسم ربیب الدین هارون مزبور در مسجد جامع تبریز به تاسیس کتابخانه باشکوهی مشتمل بر دو هزار نسخه پرداخته و کتبی در انواع علوم آن زمان از علم عربیت و صرف و نحو و بلاغت، به نثر نظم و علم شریعت و فقه، و علم کلام و طب و نجوم، و انواع دواوین و تواریخ و مصاحف معتبر و خوشخط از اطراف و اکناف بلاد اسلامی در آن گرد آورده و ده کاتب را در آنجا ملازم و مامور نسخه برداری از نسخ فرموده بود. سعدالدین و روایینی را در پایان این مقال تمنی آنست که مخدوم وی کتاب مرزبان نامه او را هم که

۱۲- رجوع شود به مقاله متع دانشمند محترم آقای جعفر سلطان القرائی در ذیل تاریخ تبریز ترجمه آقای کارنگ ص ۹۷-۱۱۶؛

و چهل مقاله آقای حاج حسین آقای نخجوانی ص ۲۰-۸۰

۱۳- مرزبان نامه به تصحیح مرحوم قزوینی ص ۲۹۷-۳۰۰



اکنون پایان رسیده در جزو کتب کتابخانه جامع تبریز قرار دهد.

نام این مسجد در کتابهای دوره مغول بکرات آمده و از آن غالباً به مسجد جامع کبیر یاد شده است<sup>۱۴</sup>. فضل الله روزبهان در عالم آرای امینی خود در تذکره حال ما در یعقوب شاه آق قویونلو به عمارت و تعمیرات این مسجد اشاره کرده است.

نامش سلجوق شاه بیگم بود... حضرت مهدعلیا در جهات مصالح ملک و دین و انارت خیرات و میرات سحر مبین فرمودی، از جمله خیراتش عمارات مسجد کبیر شهر تبریز است که آثار آن مشرف بر انطماس و اندراس شده بود و آن حضرت اموال و افره و تومانات متکثره در آنجا مبدول فرمود و در قبله گاه قدیمش قبه رفیع عالی که همچو بر اوج کیوان متعالی بود سر برگنبد افلاک برافراشت و در جوانب و اطراف و حوالی و اکناف آن، طاقهای منقش منقوش کاشی که هر قطعه اش رشک فیروزه سپهر و هر وصله اش طیره شمسه مهر تواند بود ساخته و پرداخته شد. قبله اش رشک گنبد کیوان طاق او جفت طاق کاه کشان معبد مردم سحر خیر است هم مصلاهی شهر تبریز است سبز بنمود گنبد مینو گوئیاهست عکس قبله او<sup>۱۵</sup> و ظاهراً جامعی را که حافظ حسین کر بلائی (در گذشته در ۹۹۷ هـ) در روضات الجنان در تبریز خبر میدهد، و گاهی آنرا جامع کبیر و یا مسجد کبیر میخواند و مزاری چند در اطراف آن نشان میدهد بایستی همین مسجد جامع فعلی باشد که از زمان سلاجقه در تبریز بر پا بوده، و بعد از خرابی بر اثر زلزله متعدد<sup>۱۶</sup> در تبریز اطلال آن مسجد جدید ساخته شده است.

### بعضی دیگر از مساجد تبریز

در بازار تبریز چند مسجد بزرگ بنام مسجد جامع و مسجد میرزا صادق آقا و مسجد اسماعیل خاله اوغلی، و مسجد حجة الاسلام، و مدرسه طالبیه، و مدرسه صادقیه، و مدرسه حاج صفر علی، و مدرسه خواجه علی اصغر است که ما پس از وصف مسجد جامع که در فوق

مذکور شد مختصراً به توصیف هر يك از آنها میپردازیم:

**مسجد میرزا صادق آقا** - این مسجد در سمت راست و یا جانب شمالی دالان مدرسه طالبیه قرار گرفته است. مسجدی است قدیمی با ستونهای سنگی و طاقهای ضربی و تاریخ بنای آن معلوم نیست و چنانکه نادر میرزا نوشته سابقاً آنرا، آلحاق مسجد، یعنی مسجد پست یا دارای سقف کوتاه می خواندند که اکنون بنام یکی از مجتهدان بزرگ قرن اخیر مسجد میرزا صادق آقا خوانده میشود.

**مسجد اسماعیل خاله اوغلی** - این مسجد در سمت چپ یا جانب جنوبی دالان مدرسه طالبیه و متصل به دیوار شرقی مسجد جامع قرار گرفته مسجدی است کوچک با ستونهای سنگی و طاقهای آجری ضربی، سابقاً آنرا مسجد ملاحسن پیشنماز می گفتند ولی اکنون به مسجد اسماعیل خاله اوغلی معروف است. در این مسجد حاج میرزا عبدالعلی آقا پسر حاج میرزا محمد مشهور به بالا مجتهد یعنی مجتهد کوچک که یکی از برادران میرزا صادق آقا مجتهد بود اقامه جماعت میکرد.

**مسجد حجة الاسلام** - این مسجد در جانب غربی مسجد جامع واقع شده و پنجره هایش رو به شمال و مشرف به حیاط مدرسه طالبیه است. چهار ستون سنگی کبود دارد. بنایش منسوب به ملا محمد ملقب به حجة الاسلام است که معاصر پانزدهمین سلطنت عباس میرزا بود. اکنون به مسجد حجة الاسلام یا مسجد شیخیه معروف است. سطح این مسجد تقریباً یک متر از سطح زمین صحن مسجد جامع بلندتر است، طول آن درست - باندازه طول مسجد جامع است که از جنوب بشمال کشیده شده و تقریباً شصت و دو متر می باشد و عرض آن بیست و شش متر و سی سانتیمتر است.

در محراب مسجد قطعاتی از سنگ رخام منقش نصب گردیده است. حجاری این سنگها قدیم است و بطن قوی از بقایای يك بنای عظیم بوده و ویران شده و هنگام بنای این مسجد از آن مصالح استفاده کرده اند. مسجد حجة الاسلام به فرقه شیخیه تبریز

۱۴- رك: روضات الجنان، حواشی آقای سلطان القرائی ص ۴۶۱، ۵۷۸، ۶۱۴

۱۵- تاریخ عالم آرای امینی نسخه عکسی، حواشی روضات الجنان ص ۶۱۴



اختصاص دارد و غیر از این طایفه دیگران کمتر در آنجا  
 به نماز میپردازند (۱۶).  
**مدرسه طالبیه** - این مدرسه که در سمت جنوبی  
 صحن آن مسجد حجة الاسلام و مسجد جامع و مسجد  
 اسماعیل خاله اوغلی و در سمت شرقی آن مسجد -  
 میرزا صادق آقا قرار گرفته از مدارس دینی قدیمی تبریز  
 است. بنای این مدرسه بقول نادر میرزا منسوب است  
 به میرزا ابوطالب وزیر آذربایجان ۱۷، و اکنون مدرسه‌ای  
 طلبه‌نشین است و طلاب علوم اسلامی در آن مشغول  
 فراگرفتن معارف دین هستند.  
 احتمالاً میرزا ابوطالب وزیر مانند ظهیرالدین میرزا  
 محمد ابراهیم بانی مسجد و مدرسه صفویه از بزرگان  
 عصر صفوی بوده است. سبک معماری نیز این معنی را  
 تأیید میکند. آقای سلطان القرائی مینویسد: «مؤسس  
 قسمت غربی را نمی‌شناسم و نمیدانم کی بنا شده، اما  
 بانی عمارت شمالی حاج طالبخان پسر حاج اسحاق  
 تبریزی است. این شخص در ۱۰۸۷ هجری در شمال  
 صحن جامع مدرسه‌ای ساخته و حجرات و منازلی برای  
 طلاب علوم دینی بنا نهاد و املاکی بر آن وقف  
 کرده است، و تولیت این املاک را پس از خود به پسرش  
 که او هم اسحاق نام داشته واگذار کرده است.  
 از طرف شمالی مدرسه معینه که واقف  
 مشاره‌الیه در صحن مسجد جامع دارالسلطنه تبریز  
 احداث نموده است، سرتاسر طرف جنوبی این صحن  
 عمارت‌های مسجد جامع و مسجد حجة الاسلام است مگر  
 اندک جایی در ضلع جنوب غربی آن که در جنوبی صحن  
 از آنجا به يك كوچه تنگ و باریک که منتهی‌الیه آن،  
 راسته كوچه، است باز میشود. در صحن از این  
 طرف بسیار كوچك است و در پهلو غربی این در که  
 آخر خط جنوبی صحن است دو باب حجره است که  
 یکی از آنها تحتانی و دیگری فوقانی است. جانب  
 شرقی صحن مشتمل بر حجرات و اطاق‌هایی است که  
 معلمان اطفال مشغول تعلیم کودکان خردسالند. این  
 مدرسه از سال ۱۰۸۷ هجری باین طرف به سبب

بنای آن بدست حاج طالبخان طالبیه خوانده شده و  
 پیش از آن تاریخ به صحن مسجد جامع معروف بوده  
 است.  
 این صحن را غیر از در جنوبی دری است بزرگ  
 که مدخل عمومی آنجاست و آن از جانب شرق صحن  
 به بازار، جمعه مسجد، و در اقصای جنوب غربی  
 راسته بازار تبریز از جنوب بشمال است باز میشود.  
 این در بزرگ درست روبروی، قیزبستی بازار، است  
 که از شرق بسوی غرب کشیده شده است سطح بازار  
 از سطح صحن مسجد بلندتر است، از طرف بازار  
 بوسیله پله‌هایی چند فرود آمده وارد دالانی که طول  
 آن در حدود سی متر است میشود و از آنجا از ضلع  
 جنوبی صحن که منتهی‌الیه‌دالان و در مقابل در شمال  
 مسجد است داخل صحن میگردد. روی این دالان سقفی  
 باطاق‌های مقرنس که از گچ و آجر ساخته‌اند پوشیده  
 شده است هر دو سوی جنوبی و شمال آن منازل و  
 حجرات است که مسکن جمعی از معلمان اطفال و طلاق  
 دهندگان و عقد کنندگان و محرران و عمله‌موتی و کسان  
 دیگر است. در ابتدای خط شمالی دالان از طرف بازار  
 پهلوئی پله‌ها مدخل مسجد آقا میرزا صادق آقا مجتهد  
 است. از جنوب دالان درست روبروی در مسجد  
 آقامیرزا صادق آقاداتالانی است بسوی جنوب باریک و  
 تاریک و متعلق است به متوضاً وسیعی که مردم مدرسه و  
 اهل سایر مساجد از آن استفاده میکنند. در تداوم مردم  
 این متوضاً، خوش خانه، خوانده میشود. مدخل  
 مدرسه جعفریه و مسجد میرزا اسماعیل خاله اوغلی از  
 این سوی دالان است ۱۸.  
 در جانب غربی و شمالی آن حجراتی تحتانی و  
 فوقانی جهت اقامت طلاب علوم دینی ساخته شده  
 و در جانب شرقی مدرسه و کتابخانه و قرائتخانه  
 نوسازی قرار گرفته است. تعمیر اخیر حجرات و بنای  
 مدرس و کتابخانه در سال ۱۳۲۷ شمسی بنفقه مرحوم  
 حاج محمدباقر خوبی کلکته‌چی شده و سه میلیون و  
 پانصد هزار ریال در این امر صرف گردیده است.

۱۶- سلطان القرائی، ذیل تاریخ تبریز ترجمه آقای کارنگ ص ۹۹-۱۰۰  
 ۱۷- تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز ص ۱۱۶  
 ۱۸- ذیل آقای سلطان القرائی - ترجمه تاریخ تبریز ص ۱۰۴-۱۰۶



در قسمت داخل و خارج مدرس و کتابخانه، کتیبه‌هایی از گچبری و کاشی و برنج تعبیه و نصب شده که همه به خط میرزا محسن ادیب العلماء مدیر کتابخانه طالبیه است. مضمون کتیبه برنجی تاریخ بنای کتابخانه و ملحقات و متن آن چنین است.

هو الغفور الرحیم با توفیقات خداوندی در دوره سلطنت خسرو دادگستر و دیانت پرور اعلیحضرت همایون محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه محبوب ایران ارواحنا فداء به پاس احترام مقام با عظمت روحانیت و آسایش مدرسین محترم و محصلین علوم دینیه ساختمان این بنا متضمن مدرس و کتابخانه و قرائتخانه در شهر ذی الحججه الحرام ۱۳۶۷ مطابق مهرماه ۱۳۲۷ خاتمه پذیرفت. از برادران دینی و ارباب دانش امیدوار است که در ضمن دعای خیر و طلب مغفرت نسبت به درگذشتگان مؤمنین. بانی و والدینش را نیز یاد و شاد فرمایند.

العبدلحاج محمد باقر بن المرحوم الحاج زین العابدین الخوئی الکلتکته چی طاب ثراه.

بگذارد به گیتی اثری زانکه در آفاق

تا چشم به هم برزنی از ما اثری نیست.

بر سر در مدخل مدرسه طالبیه که در حقیقت مدخل مسجد جامع نیز می‌باشد سنگنبشته بزرگی از فتحعلی‌شاه نصب شده که ذکر آن در پیش گذشت.

**مدرسه و مسجد صادقیه** - این مدرسه در انتهای شمالی راسته کهنه که به بازار صادقیه معروف است قرار گرفته. مدرسه‌ای است دارای طاقهای ضربی آجری و هیچگونه تزیینی ندارد. بانی آن میرزا صادق از اهل اشتهارد در ده فرسنگی جنوب غربی تهران که در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان از مستوفیان بشمار میرفت. بوده است تاریخ بنای آن مسجد عبارت، خیردارین، یعنی سال ۱۷۵ هجری است ۱۹. پسرش میرزا طاهر نیز وزیر آذربایجان بود و نایبی از طرف خود در آن استان گذارده خود در دربار صفوی در اصفهان بسر میبرد.

بازار صادقیه از موقوفات این مسجد بود.

نایب السلطنه عباس میرزا بازار صادقیه را که

رو به ویرانی میرفت از متولی آن به سالی سیصد تومان تا سی سال اجاره و تعمیر کرد.

هر سال آن وجه اجاره طلب میرسید. نادر میرزا مینویسد. این مدرسه را حمای بس نیکو بود که اکنون ویرانه و مزبله است ۲۰

در زمان رضاشاه پهلوی این مدرسه مقر دبیرستان معقول و منقول شد. و فارغ التحصیلان آن حق ورود به دانشکده معقول و منقول را داشتند.

**مدرسه و مسجد حاج صفرعلی** - این مدرسه طلبه‌نشین در نیمه اول قرن سیزدهم هجری به نفقه بازرگانی بنام حاج صفرعلی ساخته شده و دارای مناره و گنبد بلندی است ولی کلاهک و قسمتی از سر مناره فرو ریخته است.

در دو جانب شرقی و غربی مسجد دوشبستان وجود دارد. میان مسجد اصلی و دو مسجد شبستان مزبور پنجره‌ای چوبی حایل است که موقع باز شدن آن هر سه مسجد به صورت شبستانی واحد درمی‌آید.

**مسجد سبزی** یا **مسجد ایام جمعه** - این مسجد را بسبب ستونهای سبز رنگی که دارد مسجد سبز گویند. آن را خواهر زاده حاج صفرعلی مزبور که حاج علی نام داشت و از اهل خوی بود در ۱۲۵۵ هجری در بازار جمعه مسجد بنا کرد. سقف آن آجری و ضربی است چون امام جمعه بزرگ حاجی میرزا لطفعلی در آنجا نماز جماعت میگزارد و حلقه درس صبحگاهی داشت از آن جهت آن را مسجد امام جمعه نیز گفته‌اند.

**مدرسه خواجه علی اصغر** - مسجد کوچک و ظریفی است در کوی حرمخانه که در اوائل قرن سیزدهم حاج علی اصغر نامی معروف به خواجه مازندرانی بنا کرد و در نیمه دوم همان قرن شکستی در مسجد پیدا شد که به نفقه اقلیمیا خانم دختر نایب السلطنه عباس میرزا مرمت گردید.

**مسجد میرزا مهدی** - این مسجد بنام میرزا مهدی مجتهد که پسر ملا محمد قاری بود خوانده میشود. وی فقیهی اصولی بود و از علم تجوید آگاهی داشت و در

۱۹- موادالتواریخ ص ۲۵۹

۲۰- تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز ص ۱۱۶



ماه رمضان در حلقه درس خود تفسیر صافی را بیان  
میکرد<sup>۲۱</sup>.

### مسجد دال و ذال

کربلائی از مسجدی بنام، مسجد الدار، نام میبرد  
که مسجدی در، درب مهادمهین یعنی دروازه مهادمهین  
در حوالی محله سنگ سیاه بوده است. بنا به تعلیقات  
مرحوم ثقة الاسلام بر روضات الجنان ظاهراً مسجد الدار  
همان، مسجد دال و ذال، بوده که امروز هم موجود است<sup>۲۲</sup>.  
چنانکه دیدیم نام این محله در روضات الجنان،  
مهادمهین، آمده و بایستی آن نامی قدیم باشد که امروزه  
آنرا عامه مردم تبریز، میارمیار، و یا میرمیر، خوانند<sup>۲۳</sup>.  
اعتماد السلطنه مینویسد. يك امام زاده در محله

مهادمهین مشهور به مسجد دال و ذال است<sup>۲۴</sup>.  
در کتاب تاریخ اولاد الاطهار در وجه تسمیه این  
مسجد و امام زاده‌ای که در آن است چنین مینویسد:

دال اشاره است باسم عبدالله بن جعفر بن محمد بن  
حنفیه، و ذال اشاره است باسم عبدالله راس المذری بن  
جعفر ثانی بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن حنفیه که در این  
مسجد شهید شدند. و دال و ذال از جهت این گفته‌اند  
که دوستان برای تقیه و خوف از ظالمان تصریح باسم  
آنان در ایام مخفی بود نشان نمی‌کردند. یا اینکه مردم  
تبریز بجهت تخفیف در تکلم و آسانی دال و ذال گفتند  
و مشهور شده در النسه و افواه مردم آن عصر، تا  
حال آن شهرت مانده است<sup>۲۵</sup>.



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله مطالعات علمی و پژوهشی  
پژوهشگاه علوم انسانی

- ۲۱- مقاله آقای کارنگ در نشریه کتابخانه ملی تبریز شماره ۱۲ و ۱۴، سال ۱۳۴۷ ص ۶۱-۶۵؛ تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه  
تبریز ص ۱۱۵-۱۱۶
- ۲۲- روضات الجنان ص ۴۵۴
- ۲۳- ایضاً ص ۵۹۶
- ۲۴- روضات الجنان ص ۴۵۴
- ۲۵- ایضاً ص ۵۹۶
- ۲۶- مرآت الجنان ج ۴ ص ۳۴۷
- ۲۷- تاریخ اولاد اطهار